

خبر

رئیس جمهوری: نباید مجوز توسعه صنایع آب‌بر در مناطق کم‌آب کشور صادر شود

رئیس جمهوری با تأکید بر ممنوعیت توسعه صنایع آب‌بر در مناطق دچار تنش آبی گفت: به‌هیچ‌وجه نباید مجوز توسعه صنایع آب‌بر در مناطق کم‌آب کشور صادر شود و لازم است تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران با آثار و پیامدهای بلندمدت مداخلات غیرکارشناسی در طبیعت آشنا باشند. مسعود پزشکیان در نشست تخصصی با رئیس و معاونان سازمان حفاظت محیط زیست، با قدردانی از اقدامات، بر ضرورت تحول در ساختارها، برنامه‌ها و شیوه‌های مدیریتی سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرد و گفت: پیش‌نیاز هرگونه تصمیم‌گیری مؤثر در حوزه محیط زیست، احصای دقیق وضعیت موجود منابع طبیعی و زیست‌محیطی کشور و دستیابی به تصویری جامع و واقعی از شرایط است. رئیس‌جمهوری با تأکید بر ضرورت استقرار حکمرانی داده‌محور در حوزه محیط زیست، ایجاد سامانه‌های هوشمند رصد و پایش برخط مناطق تحت مدیریت را از اولویت‌های اساسی این سازمان دانست و افزود: در دنیای امروز امکان نظارت لحظه‌ای بر منابع طبیعی و اراضی وجود دارد و باید از فناوری‌های نوین برای پیشگیری از تعرض و تخریب منابع طبیعی بهره گرفت، نه اینکه پس از سال‌ها ساخت‌وساز و مداخلات غیرمجاز از وقوع تخلفات مطلع شویم. او بر استفاده حداکثری از ظرفیت دانشگاه‌ها، مراکز علمی و متخصصان محیط زیست در فرایندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری تأکید کرد و گفت: ایران نیازمند مطالعات آینده‌نگر درباره نحوه بهره‌برداری از منابع معدنی و طبیعی است تا بتوان برای دوران پس از اتمام ذخایر و تأمین پایداری توسعه ملی برنامه‌ریزی کرد. پزشکیان با اشاره به چالش‌های موجود در اجرای الزامات زیست‌محیطی اظهار کرد: بخشی از بی‌توجهی دستگاه‌ها به ملاحظات محیط‌زیستی ناشی از نبود داده‌های دقیق و مستند و همچنین آگاهی ناکافی نسبت به خسارات ناشی از مداخلات انسانی در طبیعت است. از این‌رو، مراکز تحقیقاتی سازمان باید از رویکرد صرفاً پژوهشی فاصله گرفته و بر تولید راهکارهای اجرایی و سیاستی برای حل مسائل راهبردی این حوزه متمرکز شوند. رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه داده‌ها زمانی ارزشمند هستند که به تصمیم، اقدام و نتیجه منجر شوند، تأکید کرد: میان ظرفیت‌های طبیعی کشور و نحوه بهره‌برداری از آنها فاصله معناداری وجود دارد و اصلاح این وضعیت مستلزم تبدیل اطلاعات و داده‌ها به سیاست‌ها و اقدامات عملیاتی است.

او با ابراز تأسف از خسارات واردشده به محیط زیست ایران در جریان جنگ اخیر، تصریح کرد: آسیب به محیط زیست محدود به یک کشور نیست؛ تخریب طبیعت، زیست‌بوم‌ها و منابع طبیعی در واقع آسیب به زمین، حیات و آینده بشریت است و سلب حق حیات از موجودات زنده محسوب می‌شود.

پزشکیان با تأکید بر ممنوعیت توسعه صنایع آب‌بر در مناطق دچار تنش آبی گفت: به‌هیچ‌وجه نباید مجوز توسعه صنایع آب‌بر در مناطق کم‌آب کشور صادر شود و لازم است تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران با آثار و پیامدهای بلندمدت مداخلات غیرکارشناسی در طبیعت آشنا شوند. رئیس‌جمهوری تولید فیلم‌های مستند، تصاویر و شواهد میدانی برای تبیین آثار تخریب محیط زیست را مؤثرتر از ابلاغ صرف دستورالعمل‌ها دانست و افزود: بسیاری از تخریب‌ها ناشی از فقدان آگاهی است و سازمان حفاظت محیط زیست باید با بهره‌گیری از زبان علمی و در عین حال هنرمندانه، قدرت و توان خود در اقتان‌سازی مدیران و سیاست‌گذاران را ارتقا دهد.

او همچنین بر ضرورت تدوین سازوکارهای مؤثر برای جلب و سازماندهی مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست تأکید کرد و گفت: دستورالعمل جامع مشارکت مردمی در فرایندهای محیط‌زیستی تدوین شود تا پس از بررسی، برای اجرا به تصویب برسد. حل مسائل پیچیده این حوزه صرفاً با صدور بخش‌نامه و دستورالعمل امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم تقسیم‌کار ملی، مشارکت همه ذی‌نفعان و آزادسازی ظرفیت‌های اجتماعی و تخصصی کشور است.

پزشکیان با اشاره به ضرورت بازنگری در نظام منابع انسانی سازمان حفاظت محیط زیست، بر تعریف مأموریت‌ها، اهداف و نیازهای واقعی سازمان پیش از هرگونه توسعه نیروی انسانی تأکید کرد و گفت: نظام پرداخت و ارزیابی عملکرد باید مبتنی بر بهره‌وری و تحقق مأموریت‌ها طراحی شود.

رئیس‌جمهوری با اشاره به اینکه بسیاری از طرح‌های کلان ملی که شخصاً پیگیری می‌کند، دارای پیوست و مبنای محیط‌زیستی هستند، مدیریت مصرف انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی را از مهم‌ترین الزامات توسعه پایدار برشمرد و تصریح کرد: حفاظت از محیط زیست یکی از ارکان اصلی سیاست‌های توسعه‌ای در کشورهاى پیشرفته است و باید در تمامی برنامه‌های ملی مورد توجه قرار گیرد و با توجه به آثار عمیق و مطلوب کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی بر محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست نیز باید در ترویج اصلاح الگوی مصرف در کنار دیگر دستگاه‌ها به وظایف خود در این زمینه عمل کند.

پزشکیان با اشاره به طرح شائبه‌هایی درباره تداخل مأموریت‌های دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه‌ها، تأکید کرد: بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و دانشگاهیان زمینه‌ساز نگاه جامع‌تر، استفاده از روش‌های علمی روزآمد و افزایش اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی خواهد بود.

در این نشست، گزارشی از ابعاد خسارت‌های واردشده به تاسیسات و زیرساخت‌های این سازمان و همچنین آثار و پیامدهای جنگ اخیر بر منابع و سرمایه‌های طبیعی کشور به رئیس‌جمهور ارائه شد. در این گزارش، آسیب‌های واردشده به زیست‌بوم‌ها و اکوسیستم‌های طبیعی، آلودگی منابع آبی و خاکی، انتشار آلاینده‌ها و مواد نفتی در دریاها و سواحل، تخریب زیستگاه‌های طبیعی، خسارات وارده به تنوع زیستی و حیات وحش و نیز اقدامات انجام‌شده برای کاهش پیامدهای زیست‌محیطی جنگ تشریح شد. همچنین گزارشی از اقدامات مستمر محیط‌بانان در حفاظت از مناطق تحت مدیریت، باجه‌جایی گونه‌های جانوری در معرض خطر، صیانت از ذخایر ژنتیکی و بانک‌های ژن گونه‌های نادر گیاهی و جانوری و مدیریت شرایط بحرانی ارائه شد.

هشدار دیوان محاسبات نسبت به اعلام آمارهای غیرواقعی اقتصادی

اداره کل نظارت و پاسخ‌گویی عمومی دیوان محاسبات در اطلاعیه‌ای نسبت به آثار زیان‌بار اعلام آمارهای غیرمستند و غیرقابل احراز در حوزه اقتصاد هشدار داده و تأکید کرد که کم‌برآوردی منابع، بیش‌برآوردی هزینه‌ها و بزرگ‌نمایی خسارات می‌تواند فرایند تصمیم‌سازی، تخصیص منابع و اعتماد عمومی را با آسیب مواجه کند.

به گزارش ایسنا، اداره کل نظارت و پاسخ‌گویی عمومی دیوان محاسبات در ادامه این اطلاعیه، با تأکید بر عدم انطباق رقم اعلامی «شش میلیارد دلار» واردات بنزین در سال ۱۴۰۴ با داده‌ها و سوابق رسمی، ارائه مستندات آن را مطالبه کرده و نسبت به تداوم رویه اعلام ارقام نامتوازن و پیامدهای آن در نظام تخصیص منابع هشدار داده است.

تاکنون در این رابطه پرونده یکی از معاونان رئیس‌جمهور به دادرای دیوان محاسبات کشور ارجاع شده است.

www.sharghdaily.com

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ دیپلماسی میان ایران و آمریکا در حالی بار دیگر به جریان افتاده که فضای پیرامونی آن، بیش از هر زمان دیگری متأثر از تحولات میدانی و امنیتی منطقه است. تنها چند روز از امضای تفاهم اولیه میان رؤسای جمهور دو کشور می‌گذرد و در شرایطی که عصر شنبه تهران در واکنش به تداوم تجاوزات اسرائیل به لبنان، تصمیم به بستن تنگه هرمز گرفت، تصور غالب آن بود که روند گفت‌وگوها دست‌کم برای مدتی متوقف شود. اما برخلاف این پیش‌بینی‌ها، مذاکرات با میانجیگری قطر و پاکستان و میزبانی سوئیس آغاز شد و حتی رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز خود را به سوئیس و این مذاکرات رساند تا نشان دهد طرفین حتی در اوج تنش نیز همچنان دیپلماسی را به‌عنوان یکی از مسیرهای مدیریت بحران حفظ کرده‌اند.
بال‌حال، نباید از نخستین جلسه این مذاکرات انتظار حل همه اختلاف‌های انباشته میان تهران و واشینگتن را داشت. تجربه دهه‌های گذشته ثابت کرده است پرونده‌های پیچیده‌ای همچون امنیت منطقه، برنامه هسته‌ای، رفع تحریم‌ها، آزادسازی دریای‌های مسدودشده، صادرات نفت و بحران لبنان، در یک یا دو نشست تعیین تکلیف نمی‌شوند. آنچه اهمیت دارد، شکل‌گیری سازوکار گفت‌وگو و تثبیت کانال ارتباطی میان دو طرف است؛ مسیری که اگر استمرار یابد، می‌تواند زمینه را برای ورود به مراحل حساس‌تر فراهم کند.

در همین چارچوب، سطح هیئت‌های اعزامی نیز حامل پیام مهمی است. حضور محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در رأس هیئت ایرانی و ج‌دی ونس، معاون اول رئیس‌جمهور ایالات متحده، در رأس هیئت آمریکایی، نشان می‌دهد دو کشور این دور از گفت‌وگوها را صرفاً یک نشست کارشناسی تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را گامی مهم در مسیر آزمون امکان دستیابی به توافقی پایدار می‌دانند. البته هم‌زمان، تغییر لحن دونالد ترامپ درباره لبنان، تهدید دوباره ایران و مواضع تند او در قبال تنگه هرمز نشان می‌دهد همچنان بازیگران مخالف کاهش تنش، به ویژه اسرائیل، می‌توانند روند مذاکرات را تحت تأثیر قرار دهند. هرچند تا لحظه تنظیم این گزارش هنوز نتیجه نهایی مذاکرات مخابره نشده است، اما خروجی تکاپوهای سوئیس را باید با نگاهی واقع‌بینانه ارزیابی کرد. اگر این گفت‌وگوها به نتایج ملموسی دست نیابد، نمی‌توان آن را به معنای شکست کل روند مذاکرات دانست و اگر پیشرفت‌هایی نیز حاصل شود، نباید آن را مترادف با توافق نهایی تلقی کرد. آنچه اکنون اهمیت دارد، حفظ مسیر گفت‌وگو، اجرای تعهدات اولیه و جلوگیری از آن است که تحولات میدانی، دیپلماسی را دوباره به بن‌بست بکشاند.

دیدارهای فشرده؛ رایزنی‌های دوجانبه پیش از ورود به مذاکرات اصلی

هتل بورگن‌اشتوک سوئیس از نخستین ساعات بکشنبه، صحنه رفت‌وآمدهای فشرده هیئت‌های سیاسی و دیپلماتیک بود. پیش از آنکه مذاکرات اصلی میان ایران و آمریکا آغاز شود، مجموعه‌ای از دیدارهای دوجانبه و چندجانبه برگزار شد که هدف اصلی آنها ایجاد هماهنگی میان میانجی‌ها، مرور روند اجرای تفاهم ۲۸ خرداد و آماده‌سازی دستور کار نشست اصلی بود. هیئت ایرانی که شاملگه شنبه وارد زوریخ شده بود، صبح یکشنبه نخستین جلسه داخلی خود را برگزار کرد؛ نشستی که نزدیک به ۹۰ دقیقه به طول انجامید و در آن آخرین وضعیت اجرای تعهدات آمریکا، موارد نقض تفاهم اسلام‌آباد و راهبرد مذاکرات مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه، اعضای تیم ایرانی بر این نکته تأکید کردند که صرف امضای یک تفاهم‌نامه نمی‌تواند تضمین‌کننده اجرای آن باشد و باید با سازوکارهای مشخص، طرف مقابل نسبت به اجرای تعهداتش پاسخ‌گو شود.

در ادامه، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، با ایگنازیو کاسیس، وزیر امور خارجه سوئیس دیدار کرد. سوئیس که همواره تلاش کرده جایگاه خود را به‌عنوان کشوری بی‌طرف در بحران‌های بین‌المللی حفظ کند، این بار نیز کوشید بستر لازم را برای گفت‌وگوهای حساس تهران و واشینگتن فراهم کند. کاسیس نیز در مواضع خود تأکید کرد روابط مبتنی بر اعتماد میان تهران و برن همچنان در خدمت دیپلماسی و کاهش تنش باقی خواهد ماند. در سوی دیگر، محمدباقر قالیباف، رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایران، دیدارهای جداگانه‌ای با شیخ محمد بن‌عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر و همچنین شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان برگزار کرد. این دو کشور که نقش میانجی اصلی میان تهران و واشینگتن را بر عهده دارند، در تلاش بودند پیش از آغاز مذاکرات، مواضع دو طرف را به یکدیگر نزدیک‌تر کنند.

هم‌زمان، مقامات قطری و پاکستانی نیز نشست‌های مستقلی با هیئت آمریکایی برگزار کردند. منابع نزدیک به مذاکرات از ردوبدل شدن پیام‌های غیرمستقیم میان تهران و واشینگتن به‌واسطه یکسان‌خبر دادند؛ موضوعی که نشان می‌دهد حتی پیش از ورود رسمی هیئت‌ها به یک اتاق، روند انتقال پیام‌ها و

بررسی پیشنهادها آغاز شده بود. یکی از نکات شایان توجه این دور از مذاکرات، مخالفت هیئت ایرانی با برگزاری مراسم عکس مشترک و دست‌دادن با هیئت آمریکایی بود. براساس گزارش منابع نزدیک به مذاکرات، طرف آمریکایی و برگزارکنندگان نشست خواستار ثبت تصاویر مشترک در آغاز مذاکرات بودند، اما هیئت ایرانی این پیشنهاد را نپذیرفت و پس از پایان مراسم رسانه‌ای، وارد محل گفت‌وگوها شد. این اقدام نشان داد تهران همچنان تلاش می‌کند ضمن حفظ مسیر دیپلماسی، از ارسال پیام‌های نمادینی که ممکن است به‌عنوان عادی‌سازی کامل روابط تعبیر شود، پرهیز کند. در مجموع، رایزنی‌های پیش از مذاکرات اصلی بیش از آنکه جنبه تشریفاتی داشته باشد، تلاشی برای کاهش فاصله دیدگاه‌ها و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای ورود به مذاکرات رسمی بود؛ مذاکراتی که قرار بود چند ساعت بعد، وارد مرحله‌ای حساس‌تر شود.

مذاکرات سه‌جانبه و چهارجانبه؛ آزمون نخست برای اجرای تفاهم ۲۸ خرداد

پس از پایان دیدارهای مقدماتی، مذاکرات وارد مرحله اصلی شد؛ مرحله‌ای که ابتدا با نشست سه‌جانبه ایران، آمریکا و قطر آغاز شد و سپس با حضور پاکستان، شکل چهارجانبه به خود گرفت. برخلاف برخی گمانه‌زنی‌ها، دستور کار این مذاکرات ورود به توافق جامع نبود، بلکه تمرکز اصلی بر اجرای بندهای تفاهم‌نامه ۲۸ خرداد قرار داشت؛ به‌ویژه بندهایی که اجرای آنها پیش‌شرط آغاز مذاکرات درباره توافق نهایی محسوب می‌شود. در این چارچوب، موضوع توقف کامل جنگ در تمامی جبهه‌ها، به ویژه لبنان، نخستین محور مذاکرات بود. تهران معتقد است با وجود امضای تفاهم، اسرائیل همچنان به نقض آتش‌بست ادامه داده و آمریکا نیز نتوانسته یا نخواستہ مانع این روند شود. از همین رو، هیئت ایرانی خواستار ارائه تضمین‌های عملی برای اجرای این بند شد.

موضوع دوم، آزادسازی دریای‌های بلوکه‌شده ایران و فراهم‌شدن امکان صادرات نفت بود؛ دو بندی که از نگاه تهران، معیار سنجش میزان پایبندی واشینگتن به تفاهم محسوب می‌شوند. به همین دلیل، نمایندگان ایران اعلام کردند بدون مشاهده اقدامات عملی در این حوزه‌ها، ورود به مذاکرات توافق نهایی معنا نخواهد داشت. در کنار این پرونده‌ها، وضعیت تنگه هرمز نیز به یکی از محورهای مهم گفت‌وگو تبدیل شد. هم‌زمان با برگزاری مذاکرات، دونالد ترامپ بار دیگر با ادبیات تند، ایران را تهدید کرد و حتی از احتمال کنترل تنگه هرمز و اعمال عوارض عبور سخن گفت. ترامپ در مصاحبه روز یکشنبه با فاکس نیزوز مدعی بود اگر ایران تنگه هرمز را ببندد، با پیامدهای بسیار سنگینی روبه‌رو می‌شود و حتی احتمال کنترل یا اعمال محدودیت از سوی آمریکا بر این تنگه و دریافت عوارض برای عبور نفت را مطرح کرده است. او همچنین بر ضرورت رسیدن به توافق با ایران تأکید کرده است. جالب‌تر آنجا بود که ترامپ با تهدید به گروگان‌گیری برخلاف قوانین بین‌المللی درخصوص افراد برخوردار از مصونیت دیپلماتیک، تهدید کرد اگر ایران تنگه هرمز را ببندد، مذاکره‌کنندگان ایرانی نمی‌توانند به خانه برگردند. مواضع تازه ترامپ بدون شک در تضاد آشکار با فضای مذاکرات قرار داشت و نگرانی‌هایی درباره تأثیرگذاری تحولات سیاسی بر روند دیپلماسی ایجاد کرد. در مقابل، مقام‌های پاکستانی اعلام کردند در دوره ۶۰روزه پیش‌بینی‌شده، هیچ‌گونه عوارضی برای عبور از تنگه هرمز اعمال نخواهد شد و تلاش خواهند کرد از ساختن یا تأکید بر اهمیت وحدت داخلی گفت‌موقیّت در مذاکرات و بهره‌برداری از دستاوردهای آن در گرو انسجام ملی است و هشدار داد هرگونه اختلاف‌افکنی می‌تواند به ضرر منافع کشور تمام شود. پزشکشیان همچنین تأکید کرد حفظ وحدت و پیشبرد مذاکرات، دو رکن اصلی شرایط کنونی کشور هستند و باید همه نهادها در این مسیر همکاری کنند.

کره‌های اصلی روی میز؛ از لبنان تا نفت و دریای‌های بلوکه‌شده
اگرچه فضای رسانه‌ای بیش از هر چیز بر دیدار هیئت‌های ایران و آمریکا متمرکز بود، اما واقعیت آن است که دستور کار مذاکرات سوئیس، مجموعه‌ای از پرونده‌های به‌هم‌پیوسته را در بر می‌گرفت؛ پرونده‌هایی که هر کدام می‌توانند به تنهایی سرنوشت کل روند مذاکرات را تحت تأثیر قرار دهند. در صدر این موضوعات، اجرای بند نخست تفاهم‌نامه ۲۸ خرداد قرار داشت؛ بندی که بر توقف کامل جنگ در همه جبهه‌ها، به‌ویژه لبنان، تأکید دارد. از نگاه تهران، استمرار حملات اسرائیل به لبنان به معنای نقض آشکار تفاهم است و تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، ورود به مرحله توافق نهایی فاقد توجیه خواهد بود. به همین دلیل نیز سخنگوی هیئت ایرانی بارها تصریح کرد مهم‌ترین مطالبه تهران، اجرای واقعی این بند و ارائه تضمین برای تداوم آن است.

در کنار پرونده لبنان، آزادسازی دریای‌های بلوکه‌شده ایران نیز از جمله محورهای کلیدی مذاکرات بود. این موضوع که سال‌ها یکی از اختلافات اصلی میان تهران و واشینگتن محسوب می‌شود، این بار در قالب بند یازدهم تفاهم‌نامه مورد توجه قرار گرفته است. ایران معتقد است اجرای این بند می‌تواند نخستین



عکس: getimages

گزارش «شرق» از ماراتن دیپلماتیک در سوئیس؛ روایتی از دیدارهای فشرده، رایزنی‌های چندجانبه و نخستین دور مذاکرات فنی

آزمون بورگن‌اشتوک

نشانه عملی تغییر رفتار آمریکا باشد؛ چراکه بدون دسترسی به منابع مالی، بسیاری از آثار اقتصادی تفاهم نیز محقق نخواهد شد. موضوع صادرات نفت نیز در همین چارچوب قرار دارد. بند دهم تفاهم‌نامه بر رفع موانع صادرات نفت ایران تأکید دارد و هیئت ایرانی تلاش کرد در نشست سوئیس سازوکارهای اجرایی این بند را با میانجی‌ها بررسی کند. در واقع تهران می‌خواهد پیش از آغاز هرگونه گفت‌وگوی نهایی، اطمینان یابد منافع اقتصادی تفاهم صرفاً روی کاغذ باقی نخواهد ماند. پرونده هسته‌ای نیز اگرچه در دستورکار مستقیم نشست قرار نداشت، اما در سطح کمیته‌های فنی مورد بحث قرار گرفت. وزیر خارجه پاکستان اعلام کرد سه تیم تخصصی هم‌زمان روی موضوعات هسته‌ای، دریای‌های بلوکه‌شده و بحران لبنان مشغول رایزنی هستند؛ موضوعی که نشان می‌دهد مذاکرات از همان ابتدا وارد مرحله‌ای صرفاً سیاسی نشده و بخش مهمی از کار به بررسی جزئیات فنی اختصاص یافته است. در همین میان، وضعیت تنگه هرمز نیز سایه خود را بر مذاکرات انداخت. تصمیم تهران برای بستن این آبراه راهبردی در پاسخ به ادامه تجاوزات اسرائیل، معادلات انرژی جهان را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد این موضوع نیز به یکی از محورهای گفت‌وگو تبدیل شود. مقام‌های پاکستانی اعلام کردند در دوره زمانی پیش‌بینی‌شده در تفاهم، هیچ‌گونه عوارضی برای عبور از تنگه هرمز اعمال نخواهد شد؛ موضعی که نشان می‌دهد میانجی‌ها در تلاش هستند از گسترش بحران به حوزه انرژی جلوگیری کنند. در مجموع، مذاکرات سوئیس بیش از آنکه دربراره یک پرونده خاص باشد، تلاشی برای مدیریت هم‌زمان چند بحران امنیتی، اقتصادی و سیاسی بود؛ بحران‌هایی که حل هرکدام از آنها می‌تواند مسیر دستیابی به توافقی گسترده‌تر را هموار کند.

پزشکیان: تمام مفاد تفاهم‌نامه به نفع ماست

رئیس‌جمهور در سخنرانی دیروز خود در همایش سیاست‌های پولی و بانکی با محور قراردادن مذاکرات و تفاهم‌نامه‌های اخیر، تأکید کرد مسیر گفت‌وگوهای بین‌المللی در حال تغییر به نفع ایران است و حتی طرف مقابل نیز به این جمع‌بندی رسیده که نمی‌تواند حقوق ملت ایران را نادیده بگیرد. او با اشاره به مواضع پیشین آمریکا گفت رئیس‌جمهور این کشور که قبلاً خواستار تسلیم ایران بود، اکنون مواضعش تغییر کرده و در عمل پذیرفته است که حق ایران قابل انکار نیست و باید مورد توجه قرار گیرد. پزشکیان بخش مهمی از دستاورد مذاکرات را بازنهش مباحث مالی و گشایش‌های اقتصادی دانست و گفت در نتیجه این تفاهم‌ها امکان بازگشت میلیاردها دلار از دریای‌های ایران فراهم شده و بازارهای منطقه‌ای نیز در حال گشوده‌شدن است. او تأکید کرد مفاد توافق‌ها و تفاهم‌نامه‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شده‌ که منافع ایران را تأمین می‌کند و اساساً مسیر گفت‌وگوها به سمت تقویت اقتصاد و رفع محدودیت‌ها پیش می‌رود. او در ادامه با بیان اینکه بخشی از دریای‌های بلوکه‌شده ایران در حال آزادسازی است، از روند مذاکرات به‌عنوان بستری مناسب برای حل مشکلات اقتصادی و توسعه تجارت یاد کرد و افزود هیئت‌های مذاکره‌کننده با هدف تأمین منافع ملی در حال پیگیری موضوعات کلیدی از جمله بازگشت منابع مالی هستند. رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به موضوع غنی‌سازی اورانیم تصریح کرد ایران از حق خود در این حوزه کوتاه نخواهد آمد. اما طرف‌های مقابل نیز در حال پذیرش این واقعیت هستند که باید حقوق ایران را به رسمیت بشناسند. او در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر اهمیت وحدت داخلی گفت موفقیت در مذاکرات و بهره‌برداری از دستاوردهای آن در گرو انسجام ملی است و هشدار داد هرگونه اختلاف‌افکنی می‌تواند به ضرر منافع کشور تمام شود. پزشکشیان همچنین تأکید کرد حفظ وحدت و پیشبرد مذاکرات، دو رکن اصلی شرایط کنونی کشور هستند و باید همه نهادها در این مسیر همکاری کنند.

ترامپ: از زبان مذاکره تا ادبیات تهدید

یکی از مهم‌ترین تناقض‌های هم‌زمان با مذاکرات سوئیس، مواضع دونالد ترامپ بود؛ مواضعی که از یک سو بر ضرورت یافتن راه‌حل دیپلماتیک تأکید داشت و از سوی دیگر، با ادبیاتی تهدیدآمیز علیه ایران همراه شد. ترامپ علاوه بر مصاحبه خود با فاکس نیزوز درباره عوارض تنگه هرمز، طی اظهارات ضد ایرانی دیگری، هم به رئیس‌جمهور کشورمان توهین و هم ایران را تهدید کرد؛ اظهاراتی که با اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل و مصونیت دیپلماتیک در تعارض قرار دارد. ترامپ در پیامی در شبکه اجتماعی نوشت: ایران باید فوراً فعالیت «نمایندگان پرهیزنه» خود در لبنان را متوقف کند، در غیر این صورت با ضربه‌ای شدیدتر از گذشته مواجه خواهد شد. او همچنین خطاب به رئیس‌جمهور ایران هشدار داد در بیان اظهاراتش دقت کند، با اشاره به موضوع غنی‌سازی اورانیم گفت ایران بر موضع خود بافشاری می‌کند اما او نیز هشدار داده است در صورت ادامه این روند، پاسخ

آمریکا سخت‌تر خواهد بود و پیامدهای جدی‌تری در پی خواهد داشت. این تغییر لحن، به‌ویژه پس از آن رخ داد که فقط چند ساعت پیش‌تر معاون او، ج‌دی ونس، از پیشرفت مذاکرات و آغاز فصل تازه‌ای از گفت‌وگوها سخن گفته بود. همین دوگانگی، یکی از چالش‌های اصلی پیش‌روی مذاکرات و شخص ترامپ است؛ چون علی‌رغم خط‌نشان‌کشیدن‌های او برای تهران در موضوع لبنان، «زنبو» به نقل از منابع آگاه مدعی است که دونالد ترامپ تمایل دارد از درگیری‌ای که آن را «جنگی آغازشده توسط خود او و بسیار نامحوب» توصیف کرده، خارج شود و حتی حاضر است نوعی دستاورد یا پیروزی را به ایران واگذار کند. در این گزارش آمده است او از دولت اسرائیل و بنیامین نتانياهو به‌شدت ناراضی است؛ زیرا به باور او تلاش می‌کنند مانع خروج آمریکا از این وضعیت شوند و با ادامه عملیات در لبنان، اوضاع را تشدید می‌کنند؛ در حالی که میان آمریکا و ایران نوعی تفاهم‌نامه آتش‌بس شکننده برقرار است. منابع نزدیک به ترامپ همچنین گفته‌اند او در جلسات خصوصی از اسرائیلی‌ها به‌شدت انتقاد کرده و معتقد است آنها قصد دارند آمریکا را به درگیری گسترده‌تر با ایران بکشانند. به گفته این منابع، در حال حاضر خشم او نسبت به اسرائیل حتی از ایران بیشتر است و اقدامات اسرائیل در لبنان، موضع او را به سمت فاصله‌گیری از فشارهای تل‌آویو سوق داده است.

ونس بین دو بحران

در حالی که تیم آمریکایی در سوئیس تلاش می‌کند تصویر دولتی علاقه‌مند به حل‌وفصل اختلافات از طریق مذاکره ارائه دهد، مواضع شخص ترامپ این نگرانی را ایجاد می‌کند که تحولات سیاسی و فشارهای داخلی آمریکا با فشارهای ناشی از اسرائیل، روند مذاکرات را با اختلال مواجه کند. با این حال، اظهارات ونس به عنوان رئیس تیم مذاکره‌کننده آمریکایی نیز قابل توجه بود. او تصریح کرد: «هیچ‌کس انتظار ندارد همه اختلافات در نخستین جلسه حل شود و هدف اصلی، ایجاد ساختار مذاکرات فنی و فراهم‌شدن امکان گفت‌وگوی مستقیم میان تیم‌هاست.» این سخنان، بیش از هر چیز، بیانگر واقع‌بینی نسبت به دشواری مسیر پیش‌رو است. از سوی دیگر، نخست‌وزیر قطر و وزیر خارجه پاکستان نیز تلاش کردند فضای مذاکرات را مثبت توصیف کنند. آنها تأکید کردند نشست سوئیس صرفاً آغاز یک مسیر است و موفقیت آن مستلزم استمرار گفت‌وگو، اجرای تعهدات و همراهی همه بازیگران منطقه‌ای خواهد بود.

دیپلماسی در آغاز راه؛ نه خوش بینی مطلق، نه بدبینی مطلق

نشست بورگن‌اشتوک را باید پیش از آنکه نقطه پایان یک بحران دانست، نقطه آغاز مرحله‌ای تازه از تعاملات میان ایران و آمریکا ارزیابی کرد. تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است هیچ پرونده پیچیده‌ای میان دو کشور، با یک یا چند نشست کوتاه تعیین‌تکلیف نشده و این بار نیز انتظار چنین اتفاقی واقع‌بینانه نیست. با این حال، اهمیت مذاکرات اخیر در چند نکته اساسی نیفته است. نخست آنکه دو طرف، با وجود فضای ملتهب منطقه، جنگ لبنان، بحران تنگه هرمز و تداوم بی‌اعتمادی، همچنان کانال دیپلماسی را باز نگه داشته‌اند. دوم آنکه حضور مقامات بلندپایه سیاسی در رأس هیئت‌ها نشان می‌دهد اراده‌ای برای آزمون مسیر گفت‌وگو وجود دارد. سوم آنکه میانجی‌هایی همچون قطر و پاکستان توانسته‌اند اعتماد نسبی هر دو طرف را جلب کرده و زمینه برگزاری نخستین نشست مشترک را فراهم آورند. در مقابل، چالش‌ها نیز کم نیستند. اجرای ناقص تفاهم ۲۸ خرداد، ادامه حملات اسرائیل به لبنان، ابهام درباره نحوه آزادسازی دریای‌های ایران، اختلاف بر سر صادرات نفت، مسائل هسته‌ای و فضای پرتنش سیاسی در آمریکا، همگی می‌توانند روند مذاکرات را با دشواری مواجه کنند. از همین رو، مهم‌ترین دستاورد احتمالی نشست سوئیس نه امضای توافقی جدید، بلکه ایجاد سازوکاری برای راستی‌آزمایی تعهدات، استمرار گفت‌وگوها و جلوگیری از بازگشت دو طرف به چرخه تقابل خواهد بود. اگر این سازوکار شکل بگیرد، می‌توان امیدوار بود که مذاکرات در مراحل بعدی وارد موضوعات پیچیده‌تر شود؛ اما اگر اجرای تعهدات اولیه با مانع مواجه شود، حتی آغاز مذاکرات توافق نهایی نیز به تعویق خواهد افتاد. در نهایت، آنچه از دیروز در سوئیس آغاز شده، نه پایان اختلافات تهران و واشینگتن، بلکه آغاز آزمون تازه برای دیپلماسی است؛ آزمون‌کی موفقیت یا ناکامی آن بیش از هر چیز، به میزان پایبندی طرف‌ها به تعهدات، نقش میانجی‌ها در مدیریت اختلافات و توانایی آنها در مهار عوامل مخرب بیرونی بستگی خواهد داشت. مسیر پیش‌رو همچنان دشوار و پریچ‌وخم است، اما حفظ گفت‌وگو در چنین شرایطی، خود نشانه‌ای از آن است که دیپلماسی هنوز از دستور کار خارج نشده است.